



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان:

بررسی روش شناسی ترجمه استعاره در خطبه های

اول تا بیستم نهج البلاغه از سه ترجمه آقایان

فیض الاسلام، شهیدی و دشتی

استاد راهنما:

دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا

استاد مشاور:

دکتر حیدر محلاتی

نگارنده:

کاظم وفائی

تابستان ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به پیشگاه

دانشمندان استین و مجاهد محسینی نذیر

شهید دکتر حرمان

آنکه علی مقتدایش و نهج البلاغه نهج راهش بود.

تشکر و قدر دانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.

از جناب آقای دکتر حیدر محلاتی به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده اند کمال تشکر را دارم.

چکیده

استعاره به عنوان ملکه تشبیهات مجازی، واژه و یا عبارتی است که در غیر معنای حقیقی خود با هدف تأثیر گذاری بیشتر به کار می رود. استعاره فقط منحصر به زبان نیست، بلکه زیر بنای تفکرات و اعمال آدمی را هم شامل می شود. این صنعت بیانی در مواردی در بین زبان ها دچار نا هماهنگی شده است، بدین نحو که مستعار منه یا مصداق خارجی آن در بین زبان ها به علت تفاوت فرهنگی متفاوت می شود. این موضوع اهمیت خود را بیشتر زمانی نشان می دهد که مترجمی بخواهد استعاره را از زبان مبدأ به زبان مقصد ترجمه کند. ترجمه تحت اللفظی استعاره، به کار بردن استعاره معادل در زبان مقصد، ترجمه به تشبیه، ترجمه به جامع، تصریح به حقیقت استعاره و ترجمه آزاد از روش هایی است که آقایان فیض الاسلام، شهیدی و دشتی در ترجمه شصت و هفت استعاره مفردة خطبه های اول تا بیستم نهج البلاغه به کار برده اند. همچنین آنها برای ترجمه بیست و سه استعاره تمثیلیه این بیست خطبه از سه روش تحت اللفظی، ارائه استعاره معادل و تصریح به حقیقت استعاره استفاده کرده اند. در نهایت آماری از به کار گیری روش های ترجمه ارائه شد که بر اساس آن سه مترجم فوق الذکر، حدود نیمی از استعاره های مفردة و تمثیلیه را به تحت اللفظی ترجمه نموده و کمترین درصدی را که بدان اختصاص داده اند، جایگزینی استعاره معادل در زبان مقصد در مقابل استعاره زبان مبدأ می باشد.

واژگان کلیدی: ترجمه، استعاره، خطبه های اول تا بیستم، نهج البلاغه.

فهرست مطالب

صفحه

عناوین

۱	مقدمه.....
۱	موضوع تحقیق و اهمیت آن.....
۲	پرسش های پژوهش:.....
۲	فرضیات.....
۲	روش تحقیق.....
۳	پیشینه انجام کار.....
۳	منابع پایان نامه.....
۳	مشکلات تحقیق.....
۵	فصل اول: مفهوم شناسی ترجمه و روش های آن و ترجمه نهج البلاغه.....
۶	مفهوم شناسی ترجمه.....
۸	معانی ترجمه.....
۸	۱- تفسیر و تبیین و توضیح (و ترجمان به معنی مفسر و مُبیین):.....
۸	۲- تبیین زبانی به زبان دیگر (مفهوم ترجمه امروزی):.....
۸	۳- زندگی نامه اشخاص:.....
۹	تعریف ترجمه.....
۹	دشواری های ترجمه.....
۱۱	مشکلات خاص ترجمه از عربی به فارسی و بر عکس.....
۱۲	شیوه های ترجمه.....
۱۴	۱- ترجمه لفظ به لفظ:.....
۱۴	۲- ترجمه تحت اللفظی:.....
۱۴	۳- ترجمه وفادار یا امین:.....
۱۵	۴- ترجمه معنای (محتوائی):.....
۱۵	۵- اقتباس:.....
۱۵	۶- ترجمه آزاد:.....
۱۶	۷- ترجمه اصطلاحی:.....
۱۶	۸- ترجمه ارتباطی:.....
۱۶	نقد ترجمه.....
۱۷	ترجمه نهج البلاغه به عنوان یک متن دینی:.....

۲۰	ترجمه های نهج البلاغه
۲۹	نگاهی گذرا بر ترجمه نهج البلاغه توسط سید علی نقی فیض الاسلام
۳۰	نگاهی گذرا بر ترجمه نهج البلاغه توسط سید جعفر شهیدی
۳۱	نگاهی گذرا بر ترجمه نهج البلاغه توسط محمد دشتی
۳۲	نتیجه
۳۳	فصل دوم: مفهوم شناسی استعاره و روش های ترجمه آن
۳۴	چرا استعاره؟
۳۵	مفهوم شناسی استعاره
۳۵	الف. از طریق مجاز (لغوی):
۳۵	ب. از طریق تشبیه (بلیغ):
۳۶	ارکان استعاره
۳۷	استعاره و زندگی
۳۸	انواع استعاره
۳۸	۱- مفرده
۴۱	۲- استعاره تمثیلیه و یا «المجاز المركب بالاستعارة التمثيلية»
۴۳	استعاره تمثیلیه در نهج البلاغه
۴۴	ترجمه استعاره
۴۵	استعاره مرده (dead):
۴۶	استعاره کلیشه ای یا باسمة ای (fossilized) :
۴۷	استعاره معیار یا متداول و متعارف (stock / standard):
۵۰	استعاره اقتباسی، تصریف شده یا وفق داده شده (adapted):
۵۰	استعاره جدید (recent):
۵۱	استعاره ابتکاری یا ابداعی (original):
۵۴	نتیجه
۵۴	فصل سوم: استعارات خطبه های اول تا بیستم نهج البلاغه و روش ترجمه آنها توسط آقایان:
۵۵	مبنای انتخاب استعاره های پیتر نیومارک در خطبه های نهج البلاغه و بررسی ترجمه آنها
۵۷	روش های ترجمه استعاره های تصریحیه و مکنیه از زبان مبدأ به زبان مقصد توسط:
۵۷	استعاره تصریحیه
۵۸	استعاره مکنیه
۵۸	روش های ترجمه استعارات تمثیلیه از زبان مبدأ به زبان مقصد
۵۸	توسط: فیض الاسلام، شهیدی و دشتی
۵۸	استعاره تمثیلیه
۵۹	بررسی روش های ترجمه فیض الاسلام، شهیدی و دشتی در استعاره های خطبه های اول تا بیستم
۵۹	خطبه اول

۶۱	بررسی سند و تاریخ خطبه
۶۱	روش ترجمه استعاره های خطبه
۶۸	خطبه دوم
۶۸	بررسی سند و تاریخ خطبه
۶۹	روش ترجمه استعاره های خطبه
۷۵	خطبه سوم
۷۶	بررسی سند و تاریخ خطبه
۷۶	روش ترجمه استعاره های خطبه
۹۳	خطبه چهارم
۹۳	بررسی سند و تاریخ خطبه
۹۳	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۰۱	خطبه پنجم
۱۰۱	بررسی سند و تاریخ خطبه
۱۰۱	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۰۵	خطبه هفتم
۱۰۵	بررسی سند و تاریخ خطبه
۱۰۵	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۰۷	خطبه نهم
۱۰۷	بررسی تاریخ و سند خطبه
۱۰۷	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۰۹	خطبه دهم
۱۰۹	بررسی سند و تاریخ خطبه
۱۰۹	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۱۱	خطبه یازدهم
۱۱۱	بررسی سند و تاریخ خطبه
۱۱۱	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۱۳	خطبه دوازدهم
۱۱۳	بررسی سند و تاریخ خطبه
۱۱۳	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۱۵	خطبه سیزدهم
۱۱۵	بررسی سند و تاریخ خطبه
۱۱۵	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۱۷	خطبه چهاردهم
۱۱۷	بررسی سند و تاریخ خطبه

۱۱۷	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۱۸	خطبه شانزدهم
۱۱۸	بررسی سند و تاریخ خطبه
۱۱۹	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۲۳	خطبه هفدهم
۱۲۳	بررسی سند و تاریخ خطبه
۱۲۴	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۲۷	خطبه هیجدهم
۱۲۷	بررسی سند و تاریخ خطبه
۱۲۷	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۲۹	خطبه نوزدهم
۱۲۹	بررسی سند و تاریخ خطبه
۱۲۹	روش ترجمه استعاره های خطبه
۱۳۱	آماري از روش های ترجمه ۶۷ مورد استعاره مفرده توسط آقایان: فیض الاسلام، شهیدی و دشتی
۱۳۳	آماري از روش های ترجمه ۲۳ مورد استعاره تمثیلیه توسط آقایان: فیض الاسلام، شهیدی و دشتی
۱۳۵	نتیجه
۱۳۶	الف: منابع فارسی
۱۴۰	ب: منابع عربی
۱۴۲	ج: مجلات
۱۴۳	د: منابع انگلیسی
۱۴۳	ه: نرم افزارها

فهرست نمودارها

عنوان نمودار	صفحه
نمودار ۱-۳: روش های ترجمه استعاره مصرحه	۵۶
نمودار ۲-۳: روش های ترجمه استعاره مکنیه	۵۷
نمودار ۳-۳: روش های ترجمه استعاره تمثیلیه	۵۷
نمودار ۴-۳: آماری از روش های ترجمه ۶۷ مورد استعاره مفرده توسط فیض	۱۳۰
نمودار ۵-۳: آماری از روش های ترجمه ۶۷ مورد استعاره مفرده توسط شهیدی	۱۳۱
نمودار ۶-۳: آماری از روش های ترجمه ۶۷ مورد استعاره مفرده توسط دشتی	۱۳۱
نمودار ۷-۳: آماری از روش های ترجمه ۲۳ مورد استعاره تمثیلیه توسط فیض	۱۳۲
نمودار ۸-۳: آماری از روش های ترجمه ۲۳ مورد استعاره تمثیلیه توسط شهیدی	۱۳۳
نمودار ۹-۳: آماری از روش های ترجمه ۲۳ مورد استعاره تمثیلیه توسط دشتی	۱۳۳

مقدمه

حمد و سپاس خداوند منان و متعال را که توفیق داد تا در عرصه نهج البلاغه و بلاغت آن گام نهم و از در آن بهره ها ببرم و سلام خداوند بر محمد و خاندان پاکش و علی الخصوص بر صاحب نهج البلاغه، امیر المؤمنین علی (علیه السلام) باد؛ همو که سخنش همگان را به تعجب برانگیخته و به راه قران و عترت رهنمون می کند.

همه می دانیم که بلاغت و فصاحت یکی از ویژگیهای بارز نهج البلاغه است، چنانکه شریف رضی (رحمة الله علیه) که کار تدوین و تبیین آن را سال ۴۰۰ ه.ق به پایان رسانده است نام نهج البلاغه را بر آن نهاده است؛ تا هر که خواهان بلاغت باشد به راه آن کتاب رود؛ و به راستی که بزرگان و ادباء و سخنورانی مثل جاحظ، عبد الحمید، ابن ابی الحدید، محمد عبده و غیره از آن تمجید ها کرده اند .

موضوع تحقیق و اهمیت آن

ترجمه در کل امری دشوار است، حال اگر دو جنبه دینی بودن و بلاغی بودن را بر متن اصلی بیافزاییم، دشواری و خطیر بودن ترجمه بارزتر می گردد؛ نهج البلاغه به عنوان یک متن دینی غیر وحی ولی مرتبط با وحی مطرح است. اگر نگاهی گذرا بدان بیافکنیم، خواهیم یافت که سرتاسر آن عجین و قرین با قرآن کریم است. از سوی دیگر این کتاب ارزشمند در بین مردم به بلاغتش مشهور است، به طوری که بعد از قرآن کریم هیچ کتابی را به اندازه نهج البلاغه به بلاغت یاد نمی کنند.

وجود دو جنبه فوق بر اهمیت ترجمه کتاب نهج البلاغه تأکید کرده و تمامی مترجمین را برای ارائه ترجمه مطلوب به مبارزه می طلبد. همین موضوع باعث شد تا یک نمونه از جنبه های بلاغی بیست خطبه اول نهج البلاغه و در عین حال بهترین نمونه آن یعنی «استعاره» را انتخاب و نحوه ترجمه آن را با توجه به اینکه برخی از استعاره ها مختص فرهنگی خاص هستند، توسط سه مترجم مطرح (فیض الاسلام، شهیدی و دشتی) مورد بررسی و تا اندازه ای مورد نقد قرار بدهیم.

پرسش های پژوهش:

- ۱- آیا آقایان فیض الاسلام، شهیدی و دشتی اکثراً به یک روش استعاره های خطبه های اول تا بیستم را ترجمه کرده اند؟
- ۲- روش ترجمه ای که آقایان فیض الاسلام، شهیدی و دشتی بیشتر از سایر روش ها برای ترجمه استعاره های خطبه های اول تا بیستم نهج البلاغه استفاده کرده اند، چیست؟
- ۳- روش ترجمه ای که آقایان فیض الاسلام، شهیدی و دشتی کمتر از سایر روش ها برای ترجمه استعاره های خطبه های اول تا بیستم نهج البلاغه استفاده کرده اند، کدام است؟

فرضیات

اگر متون ترجمه شده را مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می شویم که مترجمان در ترجمه استعارات بیشتر به روش تحت اللفظی عمل کرده اند. و علت آن نیز این است که معمولاً استعارات در اکثر زبان ها کاربرد و مستعارمنه یکسانی دارند. با توجه به این موضوع فرضیه ما نیز چنین است که آقایان فیض الاسلام، شهیدی و دشتی، اکثر استعارات نهج البلاغه را به روش تحت اللفظی ترجمه کرده اند. و در مقابل، ترجمه استعاره به استعاره معادل در زبان مقصد که خواهان آشنایی کافی مترجم با فرهنگ زبان مقصد است، کمترین شیوه ای است که سه مترجم مذکور به کار برده اند.

روش تحقیق

نهج البلاغه در طول قرون آماج حملات شکاکان قرار گرفته است و برخی آن را ساخته شریف رضی یا شریف مرتضی (رحمة الله علیهما) می دانند. به همین دلیل پیش از تحلیل عناصر استعاری هر خطبه، تعدادی از ادبا و دانشمندانی که خطبه های مذکور را به غیر از طریق شریف رضی در کتاب های خود ذکر کرده اند، آورده ایم. افرادی که در اکثر موارد قبل از شریف رضی می زیسته اند.

بعد از اثبات مستند بودن خطبه ها، استعاره های آنها را با توجه به شروح مختلف نهج البلاغه و با دقت در محتوا و مراد متن اصلی، شناسایی و نوع استعاره و ارکان آن را بیان نموده ایم، آنگاه با توجه به استعارات معرفی شده توسط پیتر نیومارک - که در فصل دوم بدان

پرداخته شده است - نوع آن استعاره را مشخص کرده و ترجمه پیشنهادی خود را ارائه داده ایم. در ادامه، ترجمه های آقایان فیض الاسلام، دشتی و شهیدی را به ترتیب نوشته و روش ترجمه آنها را ارائه نموده ایم و در پایان فصل آخر نمودارهایی از نحوه ترجمه استعاره ها توسط سه مترجم (فیض الاسلام، شهیدی و دشتی) ارائه داده ایم.

پیشینه انجام کار

در مورد «بررسی روش ترجمه استعاره در نهج البلاغه» جز در برخی موارد کلی و پراکنده در کتابها و مجلات، تاریخچه درخشانی را نداریم. ولی در مورد بررسی ترجمه استعارات در زبان فارسی و انگلیسی به صورت مقابله ای، آقای سید محمد چاوشی پایان نامه ای با عنوان: «تجزیه و تحلیل مقابله ای استعارات فارسی و انگلیسی به منظور ترجمه آنها از زبانی به زبان دیگر» تدوین نموده است.

منابع پایان نامه

سعی بر آن شده تا از معتبرترین منابع برای این پایان نامه استفاده شود. در رابطه با استعاره و ترجمه آن کتاب « A Textbook of Translation » که با عنوان « دوره آموزشی فنون ترجمه » به فارسی ترجمه شده است، بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. در معرفی و تعریف استعاره نیز از کتاب های معتبر بلاغی مثل « مفتاح العلوم »، « اسرار البلاغه » و غیره بهره گرفته شده است.

در مورد فصل آخر که مهم ترین فصل این پایان نامه است، از شروح مهم نهج البلاغه مثل: شرح ابن ابی الحدید، شرح ابن میثم بحرانی، شرح میرزا حبیب الله خویی و غیره استفاده شده است؛ این منابع در فهم منظور حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ها و شناسایی استعاره ها بسیار کارا بودند. منبع مهم دیگری که بیشتر از منهج و روش آن در فصل سوم استفاده گردیده است، پایان نامه ای است از آقای سید محمد چاوشی با عنوان « تجزیه و تحلیل مقابله ای استعارات فارسی و انگلیسی بمنظور ترجمه آنها از زبانی به زبان دیگر »

مشکلات تحقیق

پی بردن به استعارات در هر متنی به سهولت انجام نمی گیرد؛ زیرا استعاره مقوله ای است مجازی و غیر حقیقی و کشف و شناسایی آن نیازمند فهم دقیق متن نویسنده و دست

یابی به منظور اصلی او است. این مورد یکی از مشکلات اصلی بر سر راه تدوین این پایان نامه بود که البته برخی از مشکلات در مراجعه به شروح نهج البلاغه رفع گردید.

در پایان از استاد راهنمایم جناب آقای دکتر سید محمد رضی مصطفوی نیا، که در معرفی موضوع این پایان نامه و فصل بندی صحیح آن یاریم کرده و از استاد مشاورم جناب آقای دکتر حیدر محلاتی که در شیوه پیوند مطالب و نگارش اصولی این پایان نامه راهنمایی های لازم را از من دریغ نکرده اند، تقدیر و تشکر به عمل می آورم. همچنین از اساتید گرانقدری که علاقه به نهج البلاغه و پژوهش در آن کتاب گرانقدر را در من ایجاد کرده و راهنمایی های لازم را در جهت تدوین این پایان نامه از من دریغ نکرده اند و نیز از بنیاد بین المللی نهج البلاغه در قم و از مدیریت محترم آن که منابع غنی را در مورد نهج البلاغه در اختیارم گذاشته اند و از مدیریت محترم کتابخانه تخصصی ادبیات که اکثر کتابهای ادبی و بلاغی مورد نیاز در این پایان نامه را از آن مکان تهیه نموده ام، سپاس گذاری می کنم.

کاظم وفائی

تابستان ۱۳۸۹

**فصل اول: مفهوم شناسی ترجمه و روش های آن و ترجمه
نهج البلاغه**

مفهوم شناسی ترجمه

در مورد ریشه ترجمه و ترجمان بحث های فراوانی از سوی صاحب نظران و فرهنگ نویسان شده است، به طوری که هنوز به یقین نمی دانیم ریشه آن به کجا بر می گردد. آرای موجود در مورد ریشه لفظ ترجمه به سه مورد تقسیم می شود:

۱- با توجه به این که «الرَّجْم»^۱ در عربی به معنی « حدس و گمان غیر علمی» است، عده ای «ترجمه» را از ریشه عربی می دانند. مثلاً جوهری^۲ (۳۹۳ هـ. ق) با آوردن سه لغت (التَّرْجُمان، التُّرْجُمان، التَّرْجَمان) ذیل ریشه «رَجَم» و راغب اصفهانی^۳ (م ۵۰۲ هـ. ق) نیز با آوردن کلمه «التَّرْجُمان» آن را از ریشه عربی «رَجَم» دانسته اند.

۲- دسته ای دیگر «ترجمه» و «ترجمان» را از ریشه «تَرَجَم» عربی می دانند. به اعتقاد این گروه این کلمه جزو افعال رباعی عربی محسوب شده و در نتیجه حرف «تاء» نیز جزو ریشه عربی محسوب می شود، مثل دَحْرَجَ يُدَحْرِجُ دَحْرَجَةً (برخلاف گروه قبل که حرف «تاء» را از ریشه حساب نمی کردند). از جمله این افراد الفیومی (م ۷۷۰ هـ) صاحب «المصباح المنیر»^۴ است.

۳- دسته سوم «ترجمه» و «ترجمان» را از ریشه غیر عربی (معرب) می دانند. الأب رفائیل نُخْلة الیسوعی^۵ آن را وام گرفته از سریانی (شاخه ای از زبان آرامی) می داند و به اعتقاد وی «ترجمه» از targuem سریانی و «ترجمان» از targmano سریانی گرفته شده است.

۱. الرَّجْم به معنی پرتاب سنگ نیز می باشد.

۲. المصباح: تاج اللغة و صحاح اللغة (المحقق، احمد عبد الغفور عطار)، ج ۱ (قاهرة: دار العلم للملايين، ۱۹۸۷م)، ج ۵، ص ۱۹۲۸.

۳. المفردات في غرائب القرآن، ج ۲، [بی جا]: دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ هـ. ق، ص ۱۹۰.

۴. المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی (المصحح: محمد محی الدین عبد الحمید)، [بی جا]: [بی نا]، ۱۹۲۹م، ج ۱، ص ۹۲.

۵. غرائب اللغة العربية، ج ۵، (بیروت: دار المشرق، ۱۹۹۶ م)، ص ۱۷۵.

پطرس البستانی^۱ (م ۱۸۸۳م) نیز عقیده دارد: «بعید نیست که «ترجمه» برگرفته از «رجم» کلدانی به معنی «انداختن و پرتاب کردن» و یا برگرفته از «رجم» عربی به معنی «سخن گفتن با حدس و گمان»، باشد».

عده ای دیگر از این گروه معتقدند که «ترجمان» معرب از «ترزبان» یا «ترزفان» فارسی است. علی اکبر نفیسی (م ۱۳۴۲ هـ) صاحب «فرهنگ نفیسی» ذیل واژه «ترجمان» چنین می گوید: «ترجمان (torjoman) و (tarjaman) و (tarjoman): دیلماجی و پچواک و تاجران و ترزفان [ترزفان] و دیلماج و تیلماجی یعنی آنکه زبانی را به زبان دیگر بیان کند و فصیح و تیز زبان و خوش تقریر و این کلمه را تازیان از ترزبان فارسی گرفته اند. و جمع آن تراجم (tarajem) می باشد». محمود رامیار^۲ نیز به نقل از شهاب الدین الخفاجی (م ۱۰۶۹ هـ) در شفاء الغلیل فیما ورد فی کلام العرب من الدخیل، ترجمان را اقتباس از «ترزبان» فارسی می داند.

^۱. محیط المحيط، (بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۳م)، ص ۶۹.

^۲. تاریخ قرآن، (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲ هـ ش)، ص ۶۴۶.

معانی ترجمه

با توجه به گفته لغت شناسان و مفسران قرآن از ترجمه سه گونه معنی استنباط می شود:

۱- تفسیر و تبیین و توضیح (و ترجمان به معنی مفسر و مبیین):

طبری^۱ (م ۳۱۰ هـ) مفسر بزرگ قرآن معنی این کلمه را در تفسیر خود «تفسیر و تأویل و شرح» می گیرد. او در قسمتی از تفسیر خود چنین می گوید: «إِخْتَلَفَتْ تَرَاجِمَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمَعْنَى بِالصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ» و در جایی دیگر می گوید: «إِخْتَلَفَتْ تَرَاجِمَةُ الْقُرْآنِ فِي تَأْوِيلِ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى ذَكَرَهُ الْم» و نیز حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۲۵، خطاب به خوارج، قرآن را کلامی بی زبان می داند که احتیاج به ترجمان (مبیین و مفسر) دارد: «هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مُسْتَوْرٌ بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ، لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ، وَلَا يُدَلِّهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ» در این خطبه در عبارت «و إِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ» معنی «ترجمان» نهفته است چنانکه سید جعفر شهیدی^۲ این عبارت را چنین ترجمه کرده است: «و ترجمانش آن مردانند که معنی آن دانند -»

۲- تبیین زبانی به زبان دیگر (مفهوم ترجمه امروزی):

در این مورد پطرس البستانی^۳ می گوید: «تَرْجَمَ اللِّسَانَ وَ تَرْجَمَ عَنْهُ غَيْرُهُ تَرْجِمَةً فَسَّرَ كَلَامَهُ بِلِسَانٍ آخَرَ فَهُوَ مُتَرْجِمٌ». الفیومی^۴ نیز همان گفته البستانی را می گوید و معنی اسم فاعل از ترجمه را «تَرْجُمَانٌ» می داند.

۳- زندگی نامه اشخاص:

«ترجمة فلان» در عربی یعنی زندگی نامه فلانی و کتابهایی که در آن به شرح حال و نسب اشخاص پرداخته اند «کتب تراجم» گویند.

۱. جامع البیان فی تفسیر القرآن، (بیروت: دار المعرفة، ۱۹۸۹ م) ج ۱، ص ۵۷ و ۶۷.

۲. ترجمه نهج البلاغه، ج ۱۸، (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹ هـ ش) ص ۱۲۳.

۳. منبع پیشین، ص ۶۹.

۴. منبع پیشین، ج ۱، ص ۹۲.

تعریف ترجمه

امروزه تعریف هایی از ترجمه ارائه شده است که خیلی به هم نزدیک و شبیه اند. طاهره صفار زاده به نقل از نایدا (م ۱۹۶۴م) یکی از مشهورترین صاحب نظران و مترجمان، ترجمه را چنین تعریف می کند: «ترجمه عبارت است از نزدیکترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک»^۱. مترجمان و کارشناسان و نویسندگان نیز نظر خود را به پرسشنامه مجله دلوس Delos در رابطه با ترجمه خوب اینگونه بیان کرده اند: «ترجمه خوب عبارت است از نزدیکترین معادل در زبان مترجم برای مطلب مورد ترجمه، با حفظ مشخصات متن اصلی تا آنجا که ظرفیت زبان اول ایجاب بکند و عجیب و دور از ذهن ننماید»^۲.

اگر به تعریف های به عمل آمده از ترجمه توجه شود، سه خصیصه در آنها قابل ملاحظه و تأمل است و آن: زبان مبدأ، زبان مقصد و یافتن نزدیکترین معادل از زبان مقصد برای زبان مبدأ می باشد. پس می توان نتیجه گرفت که پل ارتباطی بین دو زبان مبدأ و مقصد در ترجمه «معادل یابی دقیق» می باشد. که توجه ناقد یا نظریه پرداز ترجمه باید بیشتر روی این مقوله باشد.

در ترجمه علاوه بر انتقال گفته نویسنده، شاهد انتقال فرهنگ ها، آداب و رسوم ها، اعتقادات خاص و غیره هستیم. علی صلح جو از صاحب نظران ترجمه، ثمره پوشیده ترجمه را تعدیل مفاهیم و تعدیل نگرش و جهان بینی صاحبان زبان مقصد می داند.^۳

دشواری های ترجمه

ترجمه امری دشوار است، یک مترجم خوب باید یک نویسنده برتر نیز باشد؛ زیرا سختی کار ترجمه کمتر از سختی کار نویسندگی نیست و در مواردی حتی از نویسندگی نیز سخت تر است؛ زیرا مترجم باید به دو زبان (یا چند زبان) و در پی آن به دو فرهنگ و اخلاق آشنایی و تسلط داشته باشد و نیز مترجم برای اینکه یک ترجمه خوب داشته باشد باید یک سری موارد را حتماً رعایت کند: متن زبان مبدأ را بدون افزایش یا کاهش به زبان مقصد برگردان کند، باید سبک ترجمه خود را با سبک زبان مبدأ تنظیم کند، تأثیری که از متن زبان

^۱. اصول و مبانی ترجمه، ج ۶، (تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴ هـ.ش)، ص ۲۶.

^۲. همان، ص ۲۶.

^۳. ر.ک. به: «ترجمه، تعدیل مفاهیم»، ج ۱، مجموعه مقالات ۲ هم اندیشی ترجمه شناسی، ([بی جا]: انتشارات یلدا قلم،

۱۳۸۳ هـ.ش)، ص ۴۹.

مبدأ حاصل می شود باید همان تأثیر از متن زبان مقصد نیز بدست آید، ساخت دستوری زبان مبدأ نباید تأثیری در ساخت دستوری زبان مقصد داشته باشد.^۱

برخی مواقع مترجم با عباراتی روبرو می شود که ترجمه ناپذیری را برای او القا می کند، مثلاً اگر در عبارات زبان مبدأ با صنایع لفظی مانند سجع، موازنه^۲ و غیره روبرو شود، یا عباراتی باشند که در کنار معنی اصلی و اولیه آن، معنی یا معانی ثانویه نهفته باشد مانند ایهام^۳، یا عبارتی باشد که در زبان مبدأ ضرب المثل باشد و با توجه به اینکه ضرب المثل نشأت یافته از فرهنگ دیرینه یک ملت می باشد که با فرهنگ ملت های دیگر متفاوت می باشد، مترجم در ترجمه بعضی از آنها که معادل دقیق در زبان مقصد ندارد حتماً به مشکل بر می خورد.

گاهی ممکن است مترجم به جملاتی در ترجمه برخورد کند که با وجود اینکه کلماتی ساده و قابل فهم دارند ولی معنی آنها به درستی مشخص نیست که در چنین مواقعی یا باید صرفاً از روی ساختار دستوری و واژگانی جمله دست به ترجمه بزند و یا به دنبال معنایی برای آن جمله باشد که با محتوای کلی متن سازگار باشد و در هر دو حالت باید اصل جمله را در پا نوشت قید کرد.^۴

ذکر این نکته ضروری است که کفه دشواری ترجمه همیشه به طرف زبان دوم مترجم (زبان غیر از زبان بومی یا مادری) سنگینی نمی کند؛ زیرا مترجم باید در زبان خود (زبان مادری، یا زبانی که با آن بزرگ شده است) نیز مهارت داشته باشد، او باید شیوه بیان کلمات و عبارات را در متون مختلف و بر حسب نوع مخاطب تنظیم کند. یکی از محققین ترجمه می گوید: «درد ترجمه در کشور ما عمدتاً درد فارسی ندانی است»^۵ و این نکته ای است که معمولاً در مراکز آموزشی و مؤسسات ترجمه مورد غفلت واقع می شود.

۱. ر.ک. به: کوروش صفوی، هفت گفتار در مورد ترجمه، ج ۶، (تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴ ه.ش) ص ۶۷.

۲. موازنه: «برابری دو فاصله در وزن است بدون توافق در قافیه؛ مانند سخن خدای والا: «و نَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ و زَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ» (احمد الهاشمی، جواهر البلاغه. (مترجم: حسن عرفان)، ج ۵، (قم: نشر بلاغت، ۱۳۸۴ ه.ش)، ج ۲، ص ۳۵۱).

۳. ایهام که توریه و تخییل نیز نامیده می شود؛ آوردن لفظ مفردی است که دو معنا دارد (معنای نزدیک و معنای دور) که مراد معنی دور باشد. مثلاً در عبارت: لَفْظٌ شِعْرٌ حُرٌّ و معناها «رَقیقٌ»، «رَقیقٌ» ایهام دارد زیرا دارای دو معنی (برده، نازک و لطیف) می باشد، معنی نزدیک آن به علت وجود «حُرٌّ» برده می باشد که مطلوب ما نیست. (ر.ک. به: همان، صص ۲۴۰-۲۴۲)

۴. ر.ک. به: علی صلح جو، «نکته های ترجمه و ویرایش (۵)»، مترجم، ش ۴۴، پاییز و زمستان (۱۳۸۵)، ص ۲۱.

۵. غلامرضا رشیدی، ترجمه و مترجم، ج ۶، [بی جا]: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ه.ش) ص ۱۲. به نقل از علی خزاعی فر، مترجم، ش ۷، پاییز (۱۳۷۱)، ص ۹۵.